

قواعد فقه

جلد سوم

بخش حقوق عمومی

استاد عباسعلی عمیدزنجانی

تهران

۱۳۸۶

مقدمه ناشران

نیاز گسترده دانشگاهها به متون درسی، به ویژه در رشته‌های علوم انسانی، و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاهها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی، از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) و مؤسسه مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی سومین اثر مشترک خود را با انتشار کتاب **قواعد فقه: جلد سوم: بخش حقوق عمومی** به جامعه علمی کشور عرضه می‌کند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته فقه و حقوق در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری به عنوان منبع درس قواعد فقه تدوین شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
	بخش پنجم: قواعد فقه در حوزه حقوق عمومی
۵	فصل اول: کلیات
۵	مبحث اول: قواعد فقهی در حقوق عمومی
۱۶	مبحث دوم: منابع قواعد فقهی حقوق عمومی
	فصل دوم: قواعد فقهی در حوزه حقوق عمومی
۲۴	قاعده صدوسی ونهم: نفی سبیل
۲۴	مبحث اول: موضوع و تعریف قاعده
۲۵	مبحث دوم: ادله قاعده نفی سبیل
۲۶	مبحث سوم: مفاد و مضمون قاعده
۳۵	مبحث چهارم: مصادیق قاعده نفی سبیل در قانون مدنی
۴۰	مبحث پنجم: موارد استثنای قاعده نفی سبیل
۵۰	قاعده صدوچهل و یکم: انتخاب اصلح
۵۱	قاعده صدوچهل و یکم: اشتراک در مسئولیت و تکلیف
۵۹	قاعده صدوچهل و دوم: حرمت اهانت به شعائر
۶۷	قاعده صدوچهل و سوم: حرمت بدعت
۷۰	قاعده صدوچهل و چهارم: احسان و عدم ضمان امین
۷۷	قاعده صدوچهل و پنجم: عدالت در امور عمومی
۸۴	مبحث اول: مفهوم عدالت
۸۹	

۹۱	مبحث دوم: دلیل قاعده عدالت
۹۴	مبحث سوم: تفسیر موسع از عدالت
۹۴	مبحث چهارم: شرط عدالت در تصدی ولایات
۹۵	قاعده صدوچهل و ششم: معاونت بر برّ و احسان
۱۰۴	قاعده صدوچهل و هفتم: ولایت فقیه
۲۰۰	قاعده صدوچهل و هشتم: مصلحت
۲۰۰	مبحث اول: تعریف و اقسام مصلحت
۲۱۲	مبحث دوم: مصلحت و احکام ظاهری
۲۱۶	مبحث سوم: مصلحت فردی، گروهی و عمومی
۲۳۵	مبحث چهارم: ضابطه مصلحت عمومی
۲۴۷	مبحث پنجم: قاعده فقهی «مصلحت»
۲۸۴	مبحث ششم: مصلحت و استصلاح
۲۹۱	مبحث هفتم: مناقشات در قاعده مصلحت
۲۹۸	مبحث هشتم: مصلحت در مذهب مالکی
۳۰۱	مبحث نهم: نگاهی به سیره معصومین (ع)
۳۰۵	مبحث دهم: مصلحت و همبستگی (تألیف قلوب)
۳۵۳	مبحث یازدهم: استکشاف مصالح
۳۷۳	مبحث دوازدهم: مصلحت در احکام ثانوی
۳۷۶	مبحث سیزدهم: مصلحت در احکام امتنانی
۳۷۸	قاعده صدوچهل و نهم: صلح در حقوق
۳۸۶	قاعده صدوپنجاهم: تعلق نهی شرعی بر معامله
۳۹۴	قاعده صدوپنجاه و یکم: تعذر وفای به عقد
۴۰۱	قاعده صدوپنجاه و دوم: ضمان مالم یجب

منابع و کتابنامه

فهرست آیات

۴۰۴

۴۰۸

مقدمه

هر چند مباحث حقوق عمومی در مجموعه نظام حقوقی اسلام (فقه) تفکیک و به صورت مستقل ارائه نشده است لکن تردیدی نیست که بخش عظیمی از مجموعه غنی فقه اختصاصاً به مسائل حقوق عمومی پرداخته است. هنگامی که توفیق نگارش جلد هفتم فقه سیاسی تحت عنوان: «مبانی حقوق عمومی در اسلام» را داشتم، در فصل آخر کتاب به برخی از قواعد فقه که با مسائل کتاب مرتبط بود، تا آنجا که حجم کتاب اجازه می داد، اشاره کردم و تعدادی از آنها را به طور اختصار در آخر کتاب آوردم لکن باید اعتراف کنم که حق مطلب در آنجا به نحو شایسته ادا نشد و بحث بسیار مهمی چون قواعد فقه در حوزه حقوق عمومی، فدای رعایت اختصار و تناسب حجم آن کتاب گردید.

اینک خدای را شاکرم که توفیق تکمیل و ارائه این بحث را به صورت مستقل ارزانی فرمود و جلد سوم قواعد فقه به حوزه حقوق عمومی اختصاص یافت. این قواعد که همه بخشهای حقوق عمومی را شامل می گردد، در مقاطع تحصیلات تکمیلی از سه منظر حائز اهمیت است:

نخست: به لحاظ کاربردی و با توجه به نقش محوری که مباحث دولت در حقوق عمومی دارد و نیز با توجه به اختصاص دولت در نظام کنونی کشور به دولت اسلامی، اهمیت قواعد حاکم بر دولت اسلامی بر کسی پوشیده نیست.

دوم: از حیث دیدگاه نظری که آشنایی با مبانی اسلامی را در بخشهای مختلف حقوق عمومی، اعم از حقوق اساسی، حقوق اداری، مالیه عمومی و دیگر بخشها را می طلبد و اساتید و دانشجویان در دوره های تحصیلات تکمیلی باید با دیدگاههای حقوق اسلامی به صورت کاملاً علمی آشنا باشند.

سوم: به لحاظ مطالعه تطبیقی که در کنار فراگیری آموزه های غربی و نظام

حقوقی معاصر بتوانند با توجه به مبانی اسلامی از عهده نقد و تحلیل مسائل مطروحه برآیند و به جای تقلید بی‌چون و چرا توانمندی لازم را جهت ارائه قالبها، فرمتها و برنامه‌های متناسب با اوضاع کشور کسب نمایند.

پیشینیان به ویژه در کتب مرجع در قواعد فقه گامهایی در تبیین قواعد حوزه حقوق عمومی برداشته‌اند که اکنون چراغ راه ما محسوب می‌شوند لکن باید اذعان نمود که حاصل تلاش محققانی مانند نراقی، میرفتاح و بحرالعلوم در استکشاف قواعد حوزه حقوق عمومی برای تبیین آنچه که ما امروز برای نیل به سه هدف مذکور لازم داریم نه تنها کافی نیست بلکه نیاز به تأمل جدید نیز دارد زیرا مسائل دولت به مفهوم جدید، بسیار پیچیده و گسترده شده است و ناگزیر پاسخهای جدید نیز می‌طلبد.

از این‌رو راه ما در این گام سوم در تبیین قواعد خاص حوزه حقوق عمومی بسی دشوارتر از دو گام نخست بوده است و استنباط قواعد منصوص و استنتاج قواعد اصطیادی در این حوزه باید با احتیاط بیشتری انجام می‌پذیرفت. با توجه به این نکته که ظرفیت جاودانه بودن اسلام بسی فراتر از ذهن محدود ما که به شرایط زمان و مکان بسته است می‌باشد می‌توان گفت بحثهای احیاگرانه ما هر قدر هم گره‌گشای معضلات عصرمان باشد روزی فرا خواهد رسید که تاریخ مصرف آن نیز منقضی شده و زمان و زمانه به نگرش جدید در تطبیق اسلام با مقتضیات جدید نیاز پیدا کند.

در پایان لازم می‌دانم از اهتمامی که جناب آقای دکتر سیدطه مرقاتی قائم‌مقام محترم سازمان سمت در چاپ کتاب مبذول نموده‌اند و نیز صدیق معظم جناب آقای دکتر احمد احمدی بر آن صحنه نهاده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری نمایم. امید است در محضر واحد احد منان مقبول افتد و با عنایت صاحب‌نظران کاستیهای آن برطرف گردد.

عباسعلی عمید زنجانی

تابستان ۱۳۸۶